

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدف تعلیم و تربیت

دوره هشتم، شماره چهارم

دوره هشتم، شماره چهارم / ۳

نام جزوه: هدف تعلیم و تربیت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

مقدمه.....	٥
تعریف هدف.....	٥
هدف از تعلیم و تربیت.....	٧
هدف نهایی و برتر تعلیم و تربیت.....	١١
مقام قرب الهی.....	١٨
آثار قرب به خدا.....	٢٢
ارکان سعادت بشر.....	٣٢
اما رکن اوّل یعنی:.....	٣٣

دوره هشتم، شماره چهارم / ۵

مقدمه

شناخت هدف هر کاری، در پیاده کردن برنامه های آن کار، موثر و حائز اهمیت است. هر مکتبی هدفها را بر اساس دیدگاههای خود تعیین، و طبق آن برنامه های تعلیمی و تربیتی را پیشنهاد می کند.

اسلام نیز بر اساس هستی ادراکی خود، هدف تعلیم و تربیت را تعیین، و برنامه های آموزشی خود را به پیروان ارائه کرده است.

تعریف هدف

«هدف» در لغت به معنای «نشانه» و «غرض» است؛ تیرانداز نقطه ای را نشانه قرار می دهد و نیروی خویش را برای رساندن تیر به آن نقطه به کار می برد

۶ / هدف تعلیم و تربیت

و تیر را به آن پرتاب می کند؛ غرض و منظورش اصابت تیر به آن نقطه است.

بنابراین، می توان گفت: هدف، چیزی است که شخص، قبل از عمل، آن را در نظر می گیرد و نیروی خویش را برای وصول به آن به کار می برد، و غرضش دست یابی و رسیدن به آن است.

به عبارت دیگر؛ هدف، آن مطلوبی است که شوق دست یابی به آن، محرک آدمی است تا راهی را که به آن می رسد برگزیند و وسایل لازم برای وصول به آن را انتخاب نموده و به کار برد.

هدف به این معنا، در کارهای موجودات ذی شعوری مثل انسان وجود دارد، و موجودات

دوره هشتم، شماره چهارم / ۷

بی شعور مادی و طبیعی، هدفی که خود انتخاب نمایند و با آگاهی به دنبال آن بروند، ندارند.

هدف از تعلیم و تربیت

در تعلیم و تربیت اسلامی، دو نوع هدف وجود دارد:

۱ - هدفهای مقدماتی

۲ - هدف نهایی و برتر

هدفهای مقدماتی، هدفهایی است که در ابعاد فردی و اجتماعی، زمینه ساز دست یابی انسان به هدف نهایی و برتر است؛ و هدف نهایی و برتر، همان وصول به مقام قرب الهی و لقاءالله است.

اهداف مقدماتی را نیز می توان به:

الف. اهداف مقدماتی عالی

ب. اهداف مقدماتی متوسط

ج. اهداف مقدماتی دانی

تقسیم کرد؛ و ملاک شناخت این مراتب و امتیاز آنها از یکدیگر وجود انسان است؛ زیرا انسان ترکیبی از جسم و روح می باشد. پس، آنچه فقط به بُعد روحی و معنوی انسان ارتباط داشته و در جهت پرورش و اصلاح روح و حفظ حیات معنوی باشد، از اهداف عالی تعلیم و تربیت محسوب می شود. و آنچه صرفاً در ارتباط با جنبه مادی و در جهت مصالح جسم و تقویت حیات مادی انسان باشد، از اهداف دانی تعلیم و تربیت به شمار می رود، و هر چه به هر دو بُعد جسم و روح مربوط شود، از اهداف متوسط تعلیم و تربیت می باشد.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۹

جهت توضیح بیشتر نمونه هایی از اهداف فوق

ذکر می شود:

مثلاً، شناخت دین، شناخت انسان و ارزشهای اخلاقی، عبادت، ایمان به پیامبران، اعتقاد به امامت و ولایت، ایمان به غیب و آخرت، انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی ارواحنفاده و... از اهداف مقدماتی عالی است.

و عدالت اجتماعی، ایجاد رابطه صحیح با طبیعت، افراد و جامعه، تعدیل غرایز، کوشش در رفع نیازهای اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، نظامی جامعه، تشکیل خانواده، پرورش صحیح کودکان، صلح رحم، همکاری و اهتمام در امور برادران دینی و... از اهداف مقدماتی متوسط است.

۱۰ / هدف تعلیم و تربیت

و تحصیل و تعلیم علوم مختلف (فیزیک، شیمی و...)، کوشش در بهداشت بدن، رعایت نظافت، کوشش در بهبود زندگی و توسعه امکانات و نعمتهای مادی، کسب و کار و تجارت، رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی و... از مصادیق اهداف مقدماتی دانی است. باید توجه داشت که دانی بودن این اهداف بدین معناست که نسبت به هدفهای عالی و متوسط، پایین تر محسوب می شوند؛ وگرنه هر یک در جای خویش ارزش است.

نیز باید توجه داشت که اهداف مقدماتی از مطلوبیت ذاتی برخوردار نیستند، زیرا همه آنها با تنوع مراتبشان، مقدمه و وسیله برای وصول به هدف نهایی و برتر می باشند.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۱۱

هدف نهایی و برتر تعلیم و تربیت

هدف نهایی و برتر تعلیم و تربیت از نظر اسلام، وصول به مقام قرب الهی و رضوان خداست. می دانیم که وجود انسان مطلقاً نیازمند به خدای متعال است، و آنچه انسان دارد رشحه ای از فیض بی کران الهی است:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ

يُحْيِيكُمْ»؛ خداست که شما را بیافرید؛ آن گاه روزی بخشید؛ سپس شما را می میراند، و دوباره زنده می سازد.

بنابراین، مبدأ خلقت و هستی انسان، خداست،

و بازگشت انسان به سوی خدا خواهد بود:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ ما از آن خداییم و

بازگشت ما به سوی اوست.

آری! سرانجام، انسان به پیشگاه خدا می شتابد، و به لقای الهی که حضور در صحنه حساب و جزای قیامت است مشرف می شود؛ قرآن بر این حقیقت تصریح دارد؛ آن جا که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا

فَمُلَاقِيهِ»؛ ای انسان! تو با رنج و تلاش به سوی پروردگارت سیر می کنی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد (و با حساب و جزای الهی روبرو خواهی شد).

۱ . سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲ . سوره انشقاق، آیه ۶.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۱۳

و نیز می فرماید:

«...وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوا...»؛^۱

تقوای الهی پیشه کنید و بدانید که قطعاً او را

ملاقات خواهید کرد.

این ملاقات به دو گونه است:

۱ - ملاقاتی که با جان پاک، تقوا، ایمان و عمل

صالح صورت می گیرد، و در آن خشنودی، رضوان،

قرب الهی و برخورداری از نعمتهای جاوید بهشت

است؛ قرآن کریم این ویژگیها را در آیات مختلفی

بیان فرموده است:

«لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الأنهارُ خالدينَ فيها وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ

الله...»^۱؛ برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشتهایی است که جویبارها از بُن درختان آن جاری است. جاودان در آن بهشتها خواهند بود، و همسران پاکیزه و خشنودی و رضوانی از جانب خدا برای آنان است. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ؛ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»^۲؛ پرهیزکاران در بهشتها و جویبارها ساکنند؛ در جایگاه راستی در پیشگاه پادشاه بسیار مقتدر.

«وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ

۱ . سوره آل عمران، آیه ۱۵.

۲ . سوره قمر، آیات ۵۵ - ۵۴.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۱۵

اللَّهُ لَهُ رِزْقًا^۱؛ و کسی که به خدا ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند او را به بهشتهایی که جویها در بُن آن جاری است وارد می سازد تا جاودان در آن بمانند. همانا خداوند روزی نیکویی به او عطا فرموده است.

«فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٌ»^۲؛ پس اگر او از مقربان درگاه الهی باشد، پس آسایش است و رحمت و بهشتِ نعمت و کامرانی.

۲ - ملاقات افرادی که با کفر، شرک، ناسپاسی و جرایم گوناگون با خدای متعال و سرای آخرت

۱. سوره طلاق، آیه ۱۱.

۲. سوره واقعه، آیات ۸۸ - ۸۷.

روبرو می شوند، و به شرمساری و خسارت ابدی و انواع عذابهای اخروی مبتلا می گردند؛ قرآن کریم این موضوع را نیز در آیات گوناگونی ذکر فرموده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ انقَضُوا عَلَىٰ رِبِّهِمْ قَالَ الِيسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا، قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ، قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ...!»؛ و اگر ببینی هنگامی را که (کافران) در پیشگاه پروردگارشان قرار می گیرند، می فرماید: آیا این (بازگشت در قیامت و ملاقات با خدا) درست و بر حق نیست؟ می گویند: آری! سوگند به پروردگار ما. می فرماید: پس عذاب را بچشید، به جهت کفری که

دوره هشتم، شماره چهارم / ۱۷

می‌ورزیدید، قطعاً آنان که لقاء الهی را تکذیب کردند
زیانکارند... .

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ»؛ کافران

به سوی جهنم محشور می‌شوند.

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ

أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»؛ برای کافران آشامیدنی از

آب سوزان، و عذاب و شکنجه ای دردناک است؛ به

جهت کفری که ورزیدند.

۱ . سوره انفال، آیه ۳۶.

۲ . سوره یونس، آیه ۴.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا؛

ما برای کافران غل و زنجیرها و آتشی سوزان آماده کرده ایم.

برنامه های تربیتی و تعلیمی اسلام بگونه ای است که اگر به آن عمل شود، مسلمان با جانی پاک و وارسته از پلیدیها، خدا و حساب رسی و جزای او را ملاقات خواهد کرد و به خشنودی و رضوان خدا و مقام قرب الهی نایل خواهد آمد.

مقام قرب الهی

بدون تردید، «قرب به خدا» نزدیکی زمانی و مکانی نیست؛ بدیهی است که خدای متعال در همه جا حضور دارد و هیچ چیز نسبت به او از نظر مکانی و

دوره هشتم، شماره چهارم / ۱۹

زمانی نزدیک تر و دورتر نیست. مقام قرب الهی، یعنی قرب معنوی و تخلّق به اخلاق الهی و رسیدن به مراتب رضا و خشنودی خدای متعال.

در مسیر این هدف، هر عملی که انسان برای خشنودی خدا انجام می دهد، به همان نسبت، قرب معنوی او به خدا بیشتر می شود و هر خلاف و عصیانی که از بنده سرزند، به همان اندازه از رحمت و رضوان الهی دور می گردد.

انسان در طرف کمال و قرب می تواند آن قدر پیشرفت کند که به مقام رضا و تسلیم محض در برابر خدای متعال برسد و در جمیع احوال، افکار، اقوال و اعمال متخلّق به اخلاق الله باشد و با چنین سلّم و ایمانی به لقاءالله مشرف شود. و در طرف انحطاط نیز

۲۰ / هدف تعلیم و تربیت

ممکن است تا نهایت درجات کفر و شقاوت و سقوط در اسفل درکات دوزخ نزول کند.

در پرتو تعلیم و تربیت اسلامی، شناخت و معرفت خدا حاصل می شود، و پی آمد شناخت صحیح، محبت و شوق نسبت به خدا و تقرّب به او و کمالات الهی، و حذر و خوف از شقاوت و دوری از خداست؛ و به دنبال آن شوق و این خوف، عمل و اطاعت و پیروی می آید، که می توان به وسیله آن به مراتب عالیّه قرب و کمال رسید.

از امام صادق((علیه السلام)) نقل شده است که

فرمود:

دوره هشتم، شماره چهارم / ۲۱

«هنگامی که دوستی خدا، باطن بنده ای را روشن کرد، او را از هر کار و فکری جز یاد خدا خالی می سازد»^۱.

و نیز فرموده:

«ایمان کسی به خدا خالص نمی شود، مگر زمانی که خدای متعال را بیش از خود، پدر و مادر، فرزند، خانواده، مال، و بیش از همه مردم دوست بدارد»^۲.

بنابر آنچه بیان شده معلّم و مربّی باید در تعلیم و تربیت، هدف اعلای اسلام را که قرب به خدای متعال است مدنظر داشته باشد و به متعلّم تفهیم نماید

۱. محجة البیضاء، ج ۸، ص ۷، طبع جدید.

۲. بحارالانوار، ج ۶۷، صص ۲۵ - ۲۴، روایت ۲۵، طبع بیروت.

۲۲ / هدف تعلیم و تربیت

که در آموزش و پرورش اسلامی، مقصد اصلی و هدف نهایی قرب الی الله است، و سایر امور و اهداف مقدماتی باید وسیله ای برای چنین قربی قرار گیرند.

آثار قرب به خدا

انسانی که به درجات قرب و محبت الهی رسیده ترس و اندوهی ندارد:

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱؛ آگاه باشید، که بر دوستان خدا ترسی نیست و ایشان اندوهگین نمی شوند.

ترس انسان همیشه از خطرات گوناگون و اندوه برای از دست دادن آنچه دارد یا نرسیدن به

دوره هشتم، شماره چهارم / ۲۳

آنچه ندارد می باشد؛ ولی بنده مؤمنی که به درجات قرب و محبت الهی رسیده، چون در واقع متکی به خداست و قدرت خدا را برتر از همه چیز می داند، از خطری هراس ندارد؛ و چون همه امور را به دست خدا، و هر نعمتی را از او می بیند، از دست دادن چیزهای دنیوی و مادی و نداشتن آنها، او را محزون نمی سازد، و فقط خوف و هراس وی از عدم صلاحیت خود و سطوت الهی، و اندوه از نقص نفسانی خویش و دورماندن از مدارج عالی تر قرب خواهد بود.

انسانی که به مقام قرب رسیده شیطان بر او تسلطی ندارد.

«إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ شیطان بر کسانی که به خدا ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد.

خدای متعال مولا و سرور چنین افرادی است:

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا...»^۱.

و آنان را از ظلمتها می رهاوند و به سوی نور

می برد:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ»^۲.

۱. سوره نحل، آیات ۱۰۰ - ۹۹.

۲. سوره محمد صلی الله علیه وآله)، آیه ۱۱.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۷.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۲۵

و خداوند مدافع آنان است:

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۱.

و امور آنان را کفایت می فرماید:

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ

أَمْرِهِ»^۲.

و آنان را از مشکلات می رهند و امور را بر

آنان آسان می سازد:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»^۳.

۱. سوره حج، آیه ۳۸.

۲. سوره طلاق، آیه ۳.

۳. سوره طلاق، آیه ۴.

آنان هرگز در بن بست قرار نمی گیرند و
خدای متعال در هر پیش آمدی راه خروج و نجاتی
برای آنان قرار می دهد:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۱.

و همواره ایشان را از جایی که گمان نمی برند

روزی می بخشد:

«... وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۲.

«فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۳.

۱. سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

۲. سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۷۶.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۲۷

و در دنیا و آخرت آنان را یاری می فرماید: «أَنَا
لِنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ
يَقُومُ الْأَشْهَادُ»^۱.

و فرشتگان مقرب الهی برای آنان استغفار
می کنند:

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ
آمَنُوا...»^۲.

و آنان صدیقان و شهیدان در نزد پروردگار
متعالند:

۱ . سوره مؤمن (غافر)، آیه ۵۱.

۲ . سوره مؤمن (غافر)، آیه ۷.

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۱.

و برای آنان سابقه خوبی نزد پروردگارشان

است:

«وَابَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ
رَبِّهِمْ»^۲.

و آنان بهترین مردمند:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ
خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۳.

۱. سوره حدید، آیه ۱۸.

۲. سوره یونس، آیه ۲.

۳. سوره بینه، آیه ۷.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۲۹

خوشا به حال آنان و سرانجام نیکو برای ایشان

است:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ
حُسْنُ مَآبٍ»^۱.

آنان در چمن های بهشت خواهند بود، و هر
چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان هست و این
نعمت و فضلی بزرگ است:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي
رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ
الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»^۲.

۱ . سوره رعد، آیه ۲۹.

۲ . سوره شوری، آیه ۲۲.

در روایات پیشوایان معصوم ((علیهم السلام)) نیز آثار قرب الهی بیان شده که برای نمونه به چند روایت اشاره می‌کنیم:

پیامبر ((صلی الله علیه وآله)) فرمود: «هنگامی که خداوند، بنده ای از امت مرا دوست بدارد، در دل برگزیدگان و ارواح فرشتگان و ساکنان عرش خود، دوستی او را القا می‌فرماید تا او را دوست بدارند. چنین فردی محبّ و دوست حقیقی است. خوشا به حال او و باز خوشا به حال او، و برای او روز قیامت نزد خدا مرتبه شفاعت است»^۱ و در حدیث قدسی آمده که خدای تعالی می‌فرماید: «هیچ یک از بندگان من با چیزی پسندیده تر از انجام واجبات به من

دوره هشتم، شماره چهارم / ۳۱

تَقَرَّبَ نَمِي جَوِيد و او به وسيله نوافل به من تَقَرَّبَ
مِي جَوِيد تا آن که او را دوست مِي دارم و چون او
را دوست بدارم گوش او مِي شوم که با آن مِي شنود؛
و چشم او مِي شوم که با آن مِي بيند؛ و زبان او که با
آن سخن مِي گويد؛ و دست او که با آن اقدام
مِي کند؛ اگر مرا بخواند او را اجابت مِي نمايم و اگر
از من درخواست کند به او عطا مِي نمايم»^۱.

امام صادق((عليه السلام)) فرمود: «خدای متعال
در تَكَلَّمَ با موسی((عليه السلام)) به او فرمود:
تَقَرَّبَ جَوِيَان تَقَرَّبَ نَمِي جَوِيند به من با چیزی
همانند پرهيز از محرّمات؛ و من بهشتهاي جاودان را

۳۲ / هدف تعلیم و تربیت

در اختیار آنان قرار می‌دهم و کسی را در آن با ایشان شریک نمی‌سازم»^۱.

از خدای متعال مسألت می‌کنیم به ما و همه مسلمانان، توفیق ایمان، عمل و وصول به درجات قرب و رضوان خویش را عنایت فرماید.

ارکان سعادت بشر

قرآن کریم در سوره کوچکی که به نام «سوره عصر» نامیده می‌شود ضمن تأکید با یک قَسَم می‌فرماید: «بشر جز با داشتن چهار خصلت زیانکار و بدبخت است:

۱. بحارالانوار، ج ۶۷، صص ۳۰۸ - ۳۰۹، طبع بیروت.

دوره هشتم، شماره چهارم / ۳۳

اوّل: ایمان.

دوّم: عمل درست و صحیح.

سوّم: تشویق و وادار کردن افراد یکدیگر را به

حق.

چهارم: تشویق و توصیه افراد یکدیگر را به

خویشتن داری و استقامت و صبر».

اینها چهار رکن و چهار ستون کاخ سعادت

بشر می باشند.

اما رکن اوّل یعنی:

«ایمان»؛ این رکن اساسی ترین رکن حیات انسانی

است. انسان از آن جهت که انسان است نمی تواند

بدون ایمان زندگی خوش و مقرون به آسایشی

داشته باشد، حرکات و فعالیت‌های انسان همین قدر که از حدود خور و خواب و خشم و شهوت و لذت‌های آنی تجاوز کرد نقطه اتکایی لازم دارد، بدون آن نقطه اتکاء نه حرکات و فعالیت‌های انسان نظم و انضباطی به خود می‌گیرد و نه مقرون به نشاط و رغبت خواهد بود. ما اگر حیوانی را - مثلاً اسبی یا گوسفند یا آهوئی را - در نظر بگیریم، به طور وضوح احساس می‌کنیم که احتیاجی به آنچه ما آن را «ایمان» می‌نامیم ندارد؛ زیرا کارها و حرکت‌ها و فعالیت‌های این حیوان بسیار محدود و محصور است، آب خوردنی است و علف خوردنی و جست و خیزی و حداکثر مراقبت فرزندی. هادی حیوان و محرک او و نقطه اتکاء او

دوره هشتم، شماره چهارم / ۳۵

در این اعمال همان غریزه طبیعی ابتدایی وی است؛ تشنه یا گرسنه می گردد، بدون معطلی و بدون هیچ گونه تردید یا تزلزلی دنبال آب و علف خود می رود.

اگر فرزند آدم شعاع حرکات و کارهایش محدود بود به حرکات طبیعی و غریزی، او نیز برای کارهای خود نقطه اتکایی جز غرایز اولی و طبیعی خود نداشت، اما چه باید کرد که شعاع اعمال و حرکات لازم و ضروری فرزند آدم خیلی طولانی تر از اینهاست، به جهت این که اولین چیزی که انسان را با حیوان فرق می گذارد این است که زندگی وی اجتماعی است؛ زندگی اجتماعی سبب شده که انسان از وجود دیگران

بهره های بی حساب ببرد و به همین دلیل وظایف و تکالیفی در برابر جامعه که در سایه وی بهره بی حساب می برد به عهده دارد. آنجا که پای انجام وظایف و تکالیف اجتماعی است دیگر گزینه و طبیعت حکمفرما نیست و آن سهولت و آسانی و بلکه لذت و بهجتی که در انجام کارهای طبیعی هست در اینجا وجود ندارد، در اینجا بشر فقط سنگینی بار وظیفه و تکالیف را روی دوش خود احساس می کند، بالاتر این که احساس می کند که انجام وظیفه و تکالیف در بسیاری از موارد برخلاف طبیعت، میل و گزینه شخصی است؛ وظیفه از او راستی، امانت، فداکاری، انصاف، عدالت، تقوا، عفت و پاکدامنی می خواهد

دوره هشتم، شماره چهارم / ۳۷

و طبیعت شخصی وی برعکس حکم می کند که برای جلب لذت و منفعت شخصی دروغ بگویند و خیانت و دزدی کند، از فداکاری، انصاف و عدالت تن باز زند، جامه تقوا، طهارت و عفت را بیالاید تا به کام رسد. اینجاست که انسان خود را در برابر یک سلسله تصمیمات بزرگ می بیند در جهت مخالفت طبیعت و منفعت خودش، و محال است که بدون نقطه اتکایی که روح او را به این فضایل راضی سازد بتواند از عهده برآید. این نقطه اتکاء همان است که «ایمان» نامیده می شود، همان رکن اول از چهار رکن سعادت بشر است که قرآن مجید ذکر کرده است.

رکن دوّم، عمل صحیح و شایسته است. ممکن است مردمی ایمان داشته باشند اما عمل صحیح نداشته باشند. ابتدا تصوّر این مطلب مشکل به نظر می رسد که چگونه ممکن است که ایمان باشد و تجلیّات وی که عمل صالح است نبوده باشد. اما نباید تعجّب کرد، زیرا گاهی مردمی ایمان و مبادی عالیّه دارند، به خدا، پیغمبران، کتب آسمانی و اولیاء دین اعتقاد و ایمان دارند ولی در اثر بعضی انحرافات و اشتباهات گمان می کنند که تنها ایمان داشتن کافی است و عمل اهمیّت چندانی ندارد، و یا ممکن است مردمی عمل بکنند و عملشان متّکی به ایمان و عقیده باشد ولی در تشخیص عمل اشتباه کرده باشند، یعنی یک سلسله اعمال را به

دوره هشتم، شماره چهارم / ۳۹

حکم ایمان و عقیده خود انجام بدهند که هیچ اثر و فایده ای بر آن اعمال مترتب نگردد. چه بسیار دیده می شود که مردمی از روی عقیده و ایمان زحمت ها می کشند و تلاش ها می کنند اما بیهوده، کوچک ترین اثر نیکی بر اعمال اینها مترتب نیست.

رکن سوّم سعادت بشر عبارت است از تشویق و تحریک افراد یکدیگر را به ملازمت ایمان، حق و عمل شایسته. افراد جامعه نه تنها بایست ایمان داشته باشند و نیکو عمل کنند بلکه باید به انواع وسایل قولی و عملی یکدیگر را به ایمان و عمل صالح توصیه و تشویق کنند، جامعه خود را باید طوری بسازند که دائماً افراد، تحت تلقین کارهای

خیر واقع گردند، نه آن که خدای ناخواسته وضع جامعه به صورتی درآید که افراد دائماً تحت تلقین بدکاری و فساد قرار گیرند.

رکن چهارم، توصیه و تشویق به صبر و استقامت و پای مردمی است. چرخ روزگار همیشه بر وفق مراد اشخاص نمی گردد و تندباد حوادث همواره در جهت موافق حرکت کشتی حرکت نمی کند، باید در مقابل حوادث و ناملازمات ایستادگی و پایداری کرد و باید افراد دائماً یکدیگر را به صبر و استقامت و پایداری توصیه و تشویق کنند. قرآن کریم می فرماید: «اگر مردم بر راه حق

دوره هشتم، شماره چهارم / ۴۱

استقامت بورزند، ما از دریای رحمت خود آب
فراوان نصیب ایشان خواهیم کرد»^۱ و^۲.

پایان

۱. سوره جن، آیه ۱۶.

۲. حکمت ها و اندرزها، ص ۴۳.